

## مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد

نویسندگان: الله‌مراد سیف،<sup>۱</sup> اصغر افتخاری<sup>۲</sup>  
مرتضی عزتی<sup>۳</sup>، محمدتقی رضانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۱۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۲

### چکیده

مقاله حاضر با توجه به مباحث قدرت نرم، با مراجعه به الگوها و نظریات صاحب‌نظران، درصدد معرفی و بررسی چپستی و مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی است. در این راستا، ابتدا برای آشنایی بیشتر با مباحث اقتصاد در قدرت نرم، ضمن اشاره کوتاه به نظریه‌های قدرت نرم و قدرت اقتصادی، از یک سو مفاهیم و مؤلفه‌های اقتصادی در نظریه‌های قدرت نرم و از سوی دیگر عناصر و مفاهیم نرم در قدرت اقتصادی را از نظریه‌های موجود استخراج و برجسته می‌کند. سپس، در نگاه شناختاری به قدرت نرم اقتصادی که بخش اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد، به پرسش چپستی معنایی و مفهومی قدرت نرم اقتصادی می‌پردازد که دو نتیجه بسیار مهم دارد: اول اینکه، نشان می‌دهد قدرت نرم اقتصادی چه نوع بررسی از یک موضوع است و دوم اینکه، نشان می‌دهد قدرت نرم اقتصادی از چه ابعادی در انواع، اهداف، منابع و نتایج برخوردار است؛ تا حوزه‌های قدرت نرم اقتصادی و به خصوص حوزه‌های قدرت سخت و نرم اقتصادی بیشتر آشکار شود. در نهایت، نوعی نگرش نو به مباحث اقتصادی ارائه می‌کند که در آن، ارتباط و همخوانی کاملی بین سه سطح اقتصاد، سیاست و فرهنگ برقرار می‌شود. همچنین ابعاد و حوزه‌های مورد استفاده در قدرت نرم اقتصادی را تشریح کرده و با بیان ایفای نقش قدرت نرم اقتصادی در کنار قدرت سخت اقتصادی به منظور افزایش کارایی بیشتر در اقتصاد، «اقتصاد هوشمند» را یادآوری می‌کند.

### واژگان کلیدی:

قدرت نرم، قدرت سخت اقتصادی، قدرت نرم اقتصادی، وجه شناختاری

۱. دانشیار علوم اقتصاد بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین(ع). [dr\\_a\\_seif@yahoo.com](mailto:dr_a_seif@yahoo.com)

۲. دانشیار مطالعات علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع). [eftekhariasg@gmail.com](mailto:eftekhariasg@gmail.com)

۳. استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۴. دانشجوی دکتری دفاع گرایش توسعه و تعالی دانشگاه جامع امام حسین(ع)(نویسنده مسئول)



## ۱. مقدمه

واژه «قدرت نرم» از جمله مفاهیمی است که امروزه در محافل علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان مورد تأکید زیادی است و با وجود داشتن سابقه‌های کوتاه در متون مکتوب سیاسی و بین‌المللی، منابع و مؤلفه‌های آن مورد توجه بسیاری از سیاستمداران و سیاست‌سازان جهانی، به خصوص در سالهای اخیر قرار گرفته است. در یک نگاه کلی، قدرت نرم در واقع در برابر قدرت سخت قرار گرفته و دو قطب از یک پیوستار قدرت را شامل می‌شوند. همچنین، بر وجود ایده‌ها، فعل و انفعالات و نهادهای متفاوت برای سیاست خارجی در حوزه‌های سیاست، امنیت و اقتصاد دلالت دارد. راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حلهای مسالمت‌آمیز بر ارزشهای سیاسی مشترک و ابزارهای غیر خشونت‌آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارند. در مقابل، راهبردهای معطوف به قدرت سخت قرار دارد که عموماً در راستای پیشبرد منافع ملی بر مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریمهای اقتصادی تمرکز دارند و به اتخاذ سیاستهای تقابلی با کشورهای هدف منجر می‌شوند.

با نگاهی موجز به پیشینه قدرت نرم، به روشنی مشخص است که از جمله مؤلفه‌ها و حوزه‌های مهم در قدرت نرم که محدوده گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، اقتصاد است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا این مقاله به این امر مهم پرداخته و این کار را در دو بخش دنبال می‌کند: در بخش اول و در بررسی پیشینه ادبیات نظری و تجربی، نظریه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف را مورد مذاقه قرار می‌دهد. در بخش دوم، با نگاه شناختاری به دو چیستی معنایی و مفهومی قدرت نرم اقتصادی، پرسشهایی مطرح و پاسخ داده می‌شود. در چیستی معنایی، این پرسش مطرح است که آیا قدرت نرم و سخت اقتصادی دو نوع بررسی از یک موضوع است یا دو نوع نگاه به یک موضوع؟ یا اینکه مکمل هستند؟! در چیستی مفهومی قدرت نرم نیز این پرسش مطرح است که انواع، اهداف، منابع و نتایج قدرت نرم اقتصادی چیست؟

پژوهش حاضر با هدف توسعه نظریه قدرت نرم در حوزه اقتصادی، به دنبال کشف مبانی نظری و اصول یا قواعد کلی بوده و درصدد توسعه مجموعه دانسته‌های موجود در این باره است که مبنایی برای توسعه دانایی و انجام پژوهشهای بعدی باشد. بنابراین، از نوع تحقیقات توسعه‌ای و پایه‌ای است. از آنجا که بحث قدرت نرم اقتصادی دارای سابقه‌ای بسیار اندک بوده و منابع و اطلاعات آن بسیار ناچیز و محدود به



مدارک اسنادی است و نیز اجزای نظری معین و مفروض آن نا مشخص بوده و حجم مطلب مورد بررسی فراتر از توانایی پژوهشگر است؛ لذا در این پژوهش در بخش اول، به شیوه اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، منابع موجود در قدرت، قدرت نرم و قدرت نرم اقتصادی گردآوری شده و با روش توصیفی- تحلیلی<sup>۱</sup> و با استفاده از فن تحلیل محتوا<sup>۲</sup> اطلاعات آن مورد واکاوی قرار گرفته است. در بخش دوم به منظور بازنگری و کشف روابط جدید در پیشینه قدرت نرم اقتصادی، از روش فراتحلیلی<sup>۳</sup> استفاده شده است.

## ۲. ادبیات تحقیق

### الف) نظریه قدرت نرم

«قدرت»<sup>۴</sup> مفهومی است که در علوم طبیعی و علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته و از مباحث محوری علم سیاست و مورد اندیشه و تأمل در متون و آثار سیاسی و اجتماعی است و هنوز هم یکی از مفاهیم بحث‌انگیز در حوزه علوم سیاسی، علوم اجتماعی، علوم اقتصادی و سایر رشته‌های مرتبط است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۱). در دنیای امروز در ارتباط با قدرت بین‌المللی، عواملی همچون: رشد اقتصادی، فناوری و آموزش، از اهمیت بیشتری برخوردارند. این در حالی است که جغرافیا، جمعیت و مواد خام، به عوامل کم‌اهمیت‌تر تبدیل می‌شوند. همبستگی ملی، فرهنگ جهانی و نهادهای بین‌المللی، در حال به دست آوردن اهمیت بیشتری‌اند. قدرت در حال گذار از «غنای ثروت» به «غنای اطلاعات» است. با ظهور اقتصاد مبتنی بر اطلاعات،<sup>۵</sup> مواد خام از اهمیت کمتر و مهارت‌ها و انعطاف‌پذیری سازمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند. چرخه‌های تولید در حال کوتاه شدن‌اند و فناوری رو به سوی نظام‌های تولید با انعطاف بالا حرکت می‌کند؛ به نحوی که صنایع دستی سنتی<sup>۶</sup> در تولید سفارشی محصولات، می‌توانند جای خود را به ایجاد کارخانه‌های تولیدی مدرن بدهند. (نای، ۱۹۹۰: ۱۶۵-۱۶۴)

اصطلاح قدرت نرم برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم، توسط ای.اچ. کار،<sup>۷</sup> دانشمند واقع‌گرای انگلیسی در سال ۱۹۳۹ مطرح شد. وی قدرت بین‌المللی را در

1. Descriptive
2. Content Analysis
3. Meta- Analysis
4. Power
5. an Information-Based Economy
6. the Craft-Era Tradition
7. E.H. Carr



سه بخش نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار توصیف کرد (کار، ۱۹۶۴: ۱۰۸)؛ اگر چه برخی معتقدند کارکرد قدیمی دارد. به عقیده برخی صاحب نظران، عصر قدرت نرم، بعد از فروپاشی شوروی در ادبیات راهبردی جهان وارد شده و بر این اساس، از ادبیات محدودی برخوردار است و هنوز در مورد بسیاری از مباحث مرتبط با آن، همچون: تعریف، مصداق، منابع، ابزارها، کاربرد و قلمرو، تعریف مشخص و شفافی وجود ندارد. (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۹)

اما قدرت نرم به عنوان یک نظریه منسجم، برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای<sup>۱</sup> مطرح شد و به همین دلیل از وی به عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. وی مفهوم قدرت نرم را برای نخستین بار در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط»<sup>۲</sup> در نشریه آتلانتیک<sup>۳</sup> مطرح کرد (نای، ۱۹۹۰: b). نای در آثار دیگر خود با عنوان «لزوم رهبری: طبیعت متغیر قدرت آمریکا» (a، ۱۹۹۰)، «قدرت نرم: ابزارهایی برای توفیق در سیاست جهانی» (۱۳۸۷/ب)، «قدرت نرم و آموزش عالی آمریکا» (b۲۰۰۸) «رهبری و قدرت هوشمند» (۱۳۸۷/الف) و «قدرت آینده» (۱۳۹۰) به تفصیل به بررسی نظریه قدرت نرم می‌پردازد. وی در کتاب آخر، قدرت اقتصادی ناشی از قدرت بازارها را جزء وجوه ساختاری دانسته که سهم فراوانی در قدرت نرم دارد. نای تعاریف مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند؛ برخی از آنها عبارتند از:

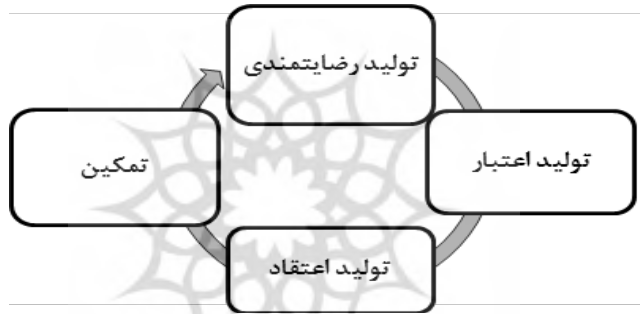
- توانایی جذب کردن؛ (نای، ۱۳۸۶)
- توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران؛ (نای، ۱۳۸۴)
- توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه؛ (نای، ۱۳۸۷/ب)
- توانایی تعیین اولویتها به گونه‌ای که مشروع به نظر رسیده یا دارای اعتبار معنوی باشد؛ (همان)
- قدرت جذب، اقناع و شیفتگی؛ (همان)
- یک نیروی فرهنگی - اقتصادی؛ (همان)
- تغییر شکل قدرت از قدرت آمرانه<sup>۴</sup> به قدرت متقاعدکننده؛ (نای، ۲۰۰۴: a)
- توانایی تأثیر بر دیگران به نحوی که خواسته شما به خواسته آنها تبدیل شود؛ (نای، ۱۳۸۷/ج)

1. Joseph S. Nye
2. Misleading Metaphor of Decline
3. Atlantic
4. Command Power
5. Co-Optive Power



- تعریف کامل قدرت نرم عبارت است از: توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روشهای مشارکتی، تعیین دستور کار، متقاعدسازی و جذب مثبت به منظور به دست آوردن نتایج مطلوب. (نای، ۱۳۹۰)

از مجموع تعاریف ارائه شده، چنین برمی آید که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائهٔ چهرهٔ موّجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران، ارادهٔ دیگران را تابع ارادهٔ خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. به این ترتیب، در به کارگیری قدرت نرم نتایجی به صورت تولید رضایتمندی، تولید اعتقاد، تولید اعتبار و تمکین به دست می‌آید. فرایند این نتایج را می‌توان چرخهٔ تولید و بازتولید قدرت نرم نامید که نمودار آن به قرار شکل ۱ می‌باشد. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۰۰)



شکل ۱: چرخهٔ تولید و بازتولید قدرت نرم

علاوه بر نای، اندیشمندان و صاحب‌نظران دیگری نیز به تبیین نظریهٔ قدرت نرم پرداخته‌اند. در جدول ۱، مهم‌ترین مؤلفه‌های عنوان شده در مبانی نظری قدرت نرم در نظریهٔ نای و دیگر اندیشمندان مرتبط، احصا شده است. با ملاحظهٔ این مؤلفه‌ها می‌توان آنها را به عنوان ابزار یا اهداف در حوزهٔ اقتصاد نیز گسترش داد. بنابر این، با توجه به کاربرد این مؤلفه‌ها در اقتصاد، اقدام به تعیین مفاهیم و مؤلفه‌های اقتصادی در نظریه‌های قدرت نرم شده و در ستون سوم جدول نشان داده شده است. غرض اینکه، اگر هر یک از مؤلفه‌های عنوان شده در مبانی نظری قدرت نرم، در اقتصاد نیز پیگیری و رصد شوند، می‌توان به یک نوع وضعیت مطلوب اقتصادی (هدف) یا یک نوع تدبیر و اقدام اقتصادی (ابزار) یا هر دو دست یافت که جنس آن همانند قدرت نرم است.



جدول ۱: احصای مؤلفه‌های قدرت نرم و استخراج مفاهیم و مؤلفه‌های اقتصادی از نظریه‌های قدرت نرم

دیدگاه / نظریه	مؤلفه‌های عنوان شده در مبانی نظری قدرت نرم	مفاهیم مؤلفه‌های اقتصادی در نظریه‌های قدرت نرم
نای، ۱۹۹۰: ۱۵۸	اهمیت عواملی همچون: رشد اقتصادی، فناوری، آموزش	عوامل پیشرفت و رشد اقتصادی
نای، ۱۹۹۰: ۱۶۵-۱۶۰	قدرت بازیگران غیر دولتی و دولتهای کوچک، اهمیت همبستگی ملی، فرهنگ جهانی و نهادهای بین‌المللی	نهادگرایی در اقتصاد، همبستگی اقتصادی ملی، فرهنگ اقتصادی و نهادهای اقتصادی
نای، ۱۹۹۰: ۱۶۷-۱۶۶	جذابیت فرهنگ و ایدئولوژی دولتی	جذابیت فرهنگ و ایدئولوژی اقتصادی
نای، ۲۰۰۲: ۹۷	جذابیت فرهنگی، ارزشها و نهادها، اعتبار در عرصه سیاست جهانی، اعتبار و آوازه	فرهنگ اقتصادی، ارزشهای اقتصادی، نهادها، اعتبار و نفوذ بین‌المللی اقتصادی، اعتبار و آوازه اقتصادی
نای، ۲۰۰۲: ۹۸	رسانه‌های خبری، شرکتهای سازمانهای غیرحکومتی، سازمانهای بین‌حکومتی و شبکه‌های اجتماعات علمی، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی، فرهنگ و عقاید مسلط به هنجارهای رایج و غالب دنیا	نهادهای اقتصادی، اقتصاد مبتنی بر اطلاعات و فناوری، هنجارهای اقتصادی
نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۴	راه غیرمستقیم به دست آوردن خواسته‌ها، الگو بودن، توانایی تعیین اولویتها، پدید آوردن یا سیاستهایی که مشروع به نظر رسیده یا دارای اعتبار معنوی‌اند	رفتار پنهان و غیر مستقیم در اقتصاد، الگوی اقتصادی، تعیین اولویتهای اقتصادی، سیاستهای اقتصادی
نای، ۱۳۸۷: ۵۶	ارزش سیاسی مانند دموکراسی و حقوق بشر	آزادی اقتصادی
نای، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶	یک جذابیت قابل مشاهده اما ناملموس، جذابیت ارزشهای مشترک، عدالت و مشارکت در دستیابی به ارزشها	رفتار پنهان و غیر ملموس در اقتصاد، ارزشهای اقتصادی، عدالت اقتصادی و مشارکت اقتصادی
نای، ۱۳۸۷: ۴۷	مهم‌ترین منابع قدرت نرم: ارزشها، نهادها، سیاستها و فرهنگ	توجه به نقش مهم فرهنگ، ارزشها، نهادها و سیاستها در اقتصاد
نای، ۱۳۸۷: ۷۹-۸۰	نقش انقلاب اطلاعات، نقش شرکتهای فراملیتی و بازیگران غیر دولتی در آینده، رقابت برای ایجاد جذابیت، مشروعیت و اعتبار	اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، نهادگرایی و اقتصاد، مشروعیت و اعتبار فعالیتهای اقتصادی
نای، ۱۳۸۷: ۹۷	خصوصیات برجسته فرهنگی و اقتصادی	اثر بخشی فرهنگ اقتصادی



دیدگاه / نظریه	مؤلفه‌های عنوان شده در مبانی نظری قدرت نرم	مفاهیم مؤلفه‌های اقتصادی در نظریه‌های قدرت نرم
نای، ۱۳۸۷/ب: ۱۱۶-۱۰۱	اثربخشی فرهنگ، فرهنگ اقتصادی، تابع بازار و تجارت بودن، تغییرات بازار و تحولات اقتصادی در راضی کردن مردم یک کشور، استانداردهاسازی در زمینه مارکهای برتر(برند)	فرهنگ اقتصادی، مشروعیت اقتصادی، توانمندی اقتصادی، برندهای اقتصادی
نای، ۱۳۸۷/ب: ۱۴۴	موفقیت طرحهای اقتصادی	موفقیت اقتصادی
نای، ۱۳۸۷/ب: ۱۶۱	مهارت اقتصادی و تولید عمده (در قدرت نرم ژاپن)	مهارت اقتصادی و تولید عمده
نای، ۱۳۸۷/ب: ۱۶۶	رشد سریع اقتصادی	رشد سریع اقتصادی
نای، ۱۳۸۷/ج: ۱۶۰	سیاستهای دولت در خارج و داخل کشور	سیاستهای اقتصادی دولت در خارج و داخل
ساندرز، ۱۳۸۷	فرهنگ و ارزشهای آن، دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی	فرهنگ اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی، سیاستهای اقتصادی در خارج
ترزا، ۱۳۸۹: ۸۵-۵۹	هنجارها، مشروعیت قانونی، نقش سازمانهای بین‌المللی، اعتبار، مهارتهای ارتباطی، توانایی کسب توافق	هنجارهای اقتصادی، مشروعیت فعالیت‌های اقتصادی، نهادگرایی در اقتصاد، اعتبار اقتصادی، ارتباطات اقتصادی، توافقات اقتصادی
نای، ۱۳۸۹: ۳۲	منابع اقتصادی، مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی و سیاستها، یک اقتصاد موفق منبع مهمی برای جذابیت، شفافیت بازار	منابع اقتصادی، مجموعه نهادها و سیاستهای اقتصادی، موفقیت‌های اقتصادی، شفافیت بازار
نای، ۱۳۸۹: ۳۳	جذابیت موفقیت‌های سیستم سیاسی و اقتصادی	موفقیت اقتصادی
نای، ۱۳۸۷/الف: ۸۶	تأثیر بر رفتار دیگران	توجه به نتایج رفتاری در اقتصاد
نای، ۱۳۸۷/الف: ۲۵۹	کاریزما، متقاعدسازی، بازی زبانی، الگو	الگوهای اقتصادی
نای، ۲۰۰۸: ۹۵	دیپلماسی عمومی	دیپلماسی اقتصادی
نای، ۲۰۰۸: ۱۰۸	دولتها، رسانه‌ها، سازمانهای غیر دولتی، سازمانهای بین‌حکومتی	نهادهای اقتصاد
نای، ۱۳۹۰: ۴۸-۴۴	قدرت بازارها، توانایی حصول نتایج مطلوب از طریق شیوه‌های مشارکت	شفافیت بازار، مشارکت اقتصادی
نای، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۳	منابع غیر ملموس مانند وطن‌پرستی، روحیه و مشروعیت	روحیه و آرمان اقتصادی
نای، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۴	متقاعدسازی که عبارت است از به کارگیری استدلال برای نفوذ بر عقاید و اقدامات دیگران بدون تهدید به زور یا قول پرداخت وجه	باورهای اقتصادی



دیدگاه / نظریه	مؤلفه‌های عنوان شده در مبانی نظری قدرت نرم	مفاهیم مؤلفه‌های اقتصادی در نظریه‌های قدرت نرم
نای، ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۵۶	قابلیت یا «کاریزمای رهبران»، روابط و شبکه‌های نخبگان	نخبگان اقتصادی
نای، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۲ یا نای، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۳	انواع منابع اصلی شامل فرهنگ، ارزشها، سیاستهای مشروع، یک الگوی داخلی مثبت، یک اقتصاد موفق و یک قدرت نظامی توانمند. ابزارهای سیاستی شامل سرویسهای اطلاعاتی ملی، بنگاههای اطلاعاتی، دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، دوره‌های تبادل، دوره‌های کمک‌رسانی، دوره‌های آموزشی و تدابیر مختلف	نقش فرهنگ اقتصادی، ارزشهای اقتصادی، سیاستهای اقتصادی، الگوهای اقتصادی، موفقیت‌های اقتصادی. ابزارهای سیاستی در اقتصاد شامل بنگاههای اطلاعات اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی، مبادلات اقتصادی، کمک‌های اقتصادی و دوره‌های آموزشی اقتصادی
افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۰	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی در اقتصاد
متقی، ۱۳۸۷: ۲۱۹-۲۲۳	فرهنگ و ارزشهای داخلی، دین و ایدئولوژی، سیاستگذاری عمومی و کارایی، دانش و فناوری، باورها و ارزشها، اعتماد، اعتبار	فرهنگ اقتصادی، نقش دین و ایدئولوژی در اقتصاد، سیاستها و کارایی اقتصادی؛ دانش و فناوری در اقتصاد، نقش باورها و ارزشهای اقتصادی، میزان اعتماد و اعتبار اقتصادی
یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۰۹-۲۰۱	آزادی، قانون، اخلاق، اعتقاد دینی، الگوی حکمرانی، کارایی اقتصادی	آزادی اقتصادی، قوانین اقتصادی، اخلاق اقتصادی؛ نقش دین و ایدئولوژی در اقتصاد، الگوی اقتصادی، کارایی اقتصادی
محمودی، ۱۳۸۸	هویت ملی شامل جاذبه فرهنگی مشتمل بر عقاید، ارزشها و باورهای جامعه، شبکه‌های ارتباطی در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی، پذیرش جهانی	هویت و فرهنگ اقتصادی، میزان ارتباطات اقتصادی، شبکه‌های ارتباط اقتصادی
بلیک، ۱۳۸۹: ۱۲۶	هنر، آداب و رسوم، ادبیات، فولکلور، ویژگی‌های خاص ملی، ورزش، توانمندی اقتصادی، انسجام داخلی، کارآمدی دولت، اعتماد به نفس ملی، همبستگی ملی، جذابیت‌های ایدئولوژیک، جاذبه‌های طبیعی و گردشگری و ارائه الگویی جذاب	فرهنگ اقتصادی و ارزشهای آن، توانمندی اقتصادی، انسجام اقتصاد داخلی، کارآمدی اقتصادی دولت، اعتماد عمومی در اقتصاد، همبستگی اقتصادی، الگوی جذاب اقتصادی
بیکر؛ به نقل از: الیاسی، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۵۳	نفوذ اجتماعی، مجاب‌سازی، میزان انسجام اجتماعی، دلبستگی ملی، هویت جمعی و سرمایه اجتماعی، میزان مشروعیت سیاسی نظام حاکم، برخورداری آن از حمایت توده‌های مردمی، شکل‌گیری نهادهای مدنی و اداره دمکراتیک جامعه، عنصر علمی و اطلاعاتی	نفوذ اقتصادی، رضایت اقتصادی مردم، میزان انسجام اقتصادی، دلبستگی اقتصادی، هویت جمعی و مشروعیت نظام اقتصادی، مشارکت مردمی، شکل‌گیری نهادهای اقتصاد، آزادی اقتصادی دانش و فناوری در اقتصاد



## ب) مفاهیم نرم در نظریه قدرت اقتصادی

مطالعات انجام شده در ادبیات روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل، نشان‌دهندهٔ اجماع بر یک توپولوژی دو بخشی از قدرت در حوزهٔ اقتصادی است که طبق آن، قدرت اقتصادی به دو شکل قدرت اقتصادی مستقیم<sup>۱</sup> و قدرت اقتصادی غیر مستقیم<sup>۲</sup> مطرح می‌شود (خادمی، ۱۴۱، ۱۳۹۰-۱۳۹). قدرت اقتصادی مستقیم؛ نوعی از قدرت اقتصادی است که هم از راه ترغیب و هم از راه فشار اقتصادی، در راستای کسب منافع یک دولت به کار گرفته می‌شود و معمولاً به چگونگی استفادهٔ دولت از ابزارهای تشویق و تنبیه اقتصادی برمی‌گردد. فونباشی<sup>۳</sup> دانشمند ژاپنی از آن به عنوان «قدرت آشکار»<sup>۴</sup>، سوزان استرنج<sup>۵</sup> «قدرت ارتباطی»<sup>۶</sup> و کلاوس نور<sup>۷</sup> «قدرت اجبار»<sup>۸</sup> یاد می‌کنند که در مطالعات انجام شده، همهٔ این مفاهیم در قالب عبارت «قدرت اقتصادی مستقیم» مطرح و چنین تعریف می‌شود: «دستکاری عامدانه و اندیشیده شدهٔ منابع اقتصادی توسط یک دولت با هدف تأثیرگذاری مستقیم روی رفتار دولت دیگر و وادار کردن آن به انجام یک رشته از اقدامات که در شرایط عادی و از روی ارادهٔ خودش آنها را انجام نمی‌داد» (همان). اما قدرت اقتصادی غیر مستقیم؛ به رشد فزایندهٔ وابستگی متقابل اقتصاد سیاسی جهان از دههٔ ۱۹۷۰ تاکنون و همچنین حضور قوی و روشن‌تر اقتصاد در روابط بین دولتها برمی‌گردد. فونباشی از آن به عنوان «قدرت پنهان»<sup>۹</sup> یک دولت در میان سایر دولتها، سوزان استرنج «قدرت ساختار»<sup>۱۰</sup> که در آن دولتها می‌توانند از طریق نفوذ اقتصادی برای کسب قدرت و برای دستیابی به اهداف ملی تلاش کنند، کلاوس نور «قدرت نفوذ بدون زور»<sup>۱۱</sup> و رابرت کوهن و جوزف نای هنگام طرح نظریهٔ وابستگی متقابل از آن به نام «قدرت کنترل نتایج»<sup>۱۲</sup> یاد می‌کنند. کرشنر<sup>۱۳</sup> نیز بدون اشاره به مفهوم قدرت اقتصادی غیر مستقیم، از واژه‌های «نفوذ» و «وابستگی» برای توضیح این نوع قدرت اقتصادی استفاده می‌کند. در مطالعات انجام شده، از ترکیب مفاهیم پیش‌گفته، به ایدهٔ قدرت اقتصادی غیر مستقیم رسیده و به

1. Direct Economic Power
2. Indirect Economic Power
3. Funbashi
4. Revealed Power
5. Susan Strange
6. Relation Power
7. Klauss Knorr
8. Coercive Power
9. Latent Power
10. Structural Power
11. Non-Coercive Influence
12. Control Over Outcomes
13. Kirshner



صورت ذیل تعریف شده است: «توانایی کسب شده توسط یک کشور به صورت عامدانه یا غیر عامدانه ناشی از اندازه، تنوع و پیوندهای اقتصادی خود که از طریق شکل‌دهی محیط فعالیت و تعیین دامنه رفتارهای ممکن توسط دیگران، به طور مستقیم روی رفتار آنها تأثیر می‌گذارد» (همان). با ملاحظه این دو مفهوم و مفاهیم قدرت نرم، این دو نوع قدرت مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی را می‌توان به ترتیب، قدرت سخت اقتصادی و قدرت نرم اقتصادی نامید.

در بررسی پیشینه تحقیق «قدرت اقتصادی» هر چند در بسیاری از آثار به مفهومی با عنوان «قدرت نرم اقتصادی» برخورد نشد، اما با عنایت به مباحث مطرح شده در قدرت نرم، وجوه نرم فراوانی را در حوزه اقتصادی در این آثار می‌توان یافت که برخی از آنها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: مؤلفه‌ها و مفاهیم نرم در نظریه‌های قدرت اقتصادی

دیدگاه / نظریه/منبع	وجوه نرم عنوان شده در ادبیات قدرت اقتصادی
دونوان، ۱۹۹۵	الگوی ابرقدرت اقتصادی: سهم بازار از اقتصاد جهانی، تراز تجاری، وضعیت بدهی‌ها و توانایی‌های فناوریانه. مفهوم‌سازی: امکان مقابله با تهدیدهای امنیتی خاص از طریق ابزار قدرت اقتصادی. ظرفیت: برخورداری دولت از منابع اقتصادی لازم جهت تعقیب و انتخاب راهبرد کسب قدرت اقتصادی و پیگیری سیاست امنیت اقتصادی. اراده سیاستگذاری: سیاستگذاری هماهنگ و سازگار در راستای سیاست امنیت اقتصادی.
علوی، ۱۳۹۰	موفقیت‌های اقتصادی به عنوان الگو و منبع الهامی
زرزقانی، ۱۳۸۸: ۲۷	میزان تولید محصولات فرهنگی
زرزقانی، ۱۳۸۸: ۲۸	کمک‌های اقتصادی
خوارزمی، ۱۳۹۱	عوامل نرمی چون: سرمایه دانایی (بر پایه سه محور تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی مجهز به دانش و مهارت مورد نیاز اقتصاد مدرن و زیرساخت پیشرفته فناوری ارتباطات و اطلاعات)، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی (بر مبنای شکل‌گیری اعتماد)، ویژگی‌های فرهنگ اقتصادی
خادمی، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۲۹	رشد فزاینده وابستگی متقابل
راسل، ۱۳۸۵: ۱۴۱	حرکت به سمت استقلال یا همان استقلال‌پذیری
گالبرایت، ۱۳۷۱: ۱۲-۱۰	قدرت شرطی؛ یعنی توانایی ترغیب یا ایجاد باور
نای، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۵۵	ساختاردهی به بازارها، الگوی اقتصادی موفق، منابع اقتصادی و عواملی همچون کمیت و کیفیت تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، سطح فناوری؛ منابع طبیعی و انسانی، نهادهای سیاسی و قانونی برای بازارها و همچون تجارت، امور مالی و رقابت است. رفتار قدرت اقتصادی، وابستگی متقابل اقتصادی، منابع طبیعی، نفت و گاز (انرژی)، تحریم‌های مثبت و تحریم‌های منفی،



دیدگاه / نظریه / منبع	وجوه نرم عنوان شده در ادبیات قدرت اقتصادی
کریستوفر، ۱۹۹۹: ۳۰-۲۱	جریان اعتبارات مالی فرایند و روابط تجاری، ارتباطات، انرژی، کمکهای اقتصادی
مید، ۲۰۰۴: ۵۰-۴۶	چسبندگی سیاستها و نهادهای اقتصادی
ویتنی، ۲۰۰۹: ۹-۷	اهمیت روابط اقتصادی، احتمال خرید محصولات، موافقت‌نامه تجارت آزاد، کمک به توسعه اقتصادی کشورها، کمکهای بشردوستانه، سهم شرکتهای اقتصاد رقابتی، فرصتهای اقتصادی برای نیروی کار، پیشرو در شرکتهای برجسته چند ملیتی، کیفیت محصولات، کارآفرینی

### ۳. مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی

با مراجعه به دیدگاه برخی از اندیشمندان اقتصادی و سیاسی، وجوه نرم در اقتصاد و مباحث مربوط به قدرت نرم اقتصادی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. نای هر چند در آثار اولیه خود انواع قدرت را در عصر جهانی اطلاعات شامل سه قدرت نظامی و اقتصادی و نرم می‌داند و قدرت را دارای دو لایه سخت و نرم دانسته و قدرت اقتصادی را همانند قدرت نظامی، جزء قدرت سخت به شمار می‌آورد؛ اما در آثار بعدی خود، منابع اقتصادی را جزء یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌کند و معتقد است: منابع اقتصادی هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند (نای، ۱۳۸۹: ۳۲). وی همچنین در مقاله‌ای با عنوان «دوباره فکر کنید: قدرت نرم»، تأکید می‌کند که قدرت نرم دارای مفهوم محدود و گسترده است. در مفهوم گسترده، قدرت نرم مترادف با قدرت غیر نظامی است و شامل هر دو قدرت فرهنگی و اقتصادی می‌شود و تنها در مفهوم محدود، قدرت نرم شامل قدرت فرهنگی است که آن را نیز در سخنرانی خود تحت عنوان «قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱» در شورای پارلمانی بریتانیا مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۰ مورد انتقاد قرار داده، اعلام می‌کند: «قدرت نرم [صرفاً] مترادف با فرهنگ نیست». بنابر این، وی به تدریج به دلیل اثرگذاری بیشتر مسائل اقتصادی در جذب و اقناع دیگران، دیدگاه خود را در مورد قدرت نرم و قدرت اقتصادی تعدیل می‌کند. این امر، به خصوص در کتاب جدید ایشان با عنوان «آینده قدرت»، بیشتر نمایان است؛ به طوری که وی در این کتاب، در فصلی جداگانه به بحث قدرت اقتصادی پرداخته، در آن قدرت اقتصادی را یکی از مهم‌ترین ابزارها در جعبه ابزار سیاستهای قدرت نرم می‌داند (نای، ۱۳۹۰: ۱۳۶) و به مؤلفه‌ها و منابع اقتصادی از قبیل وابستگی متقابل اقتصادی، منابع طبیعی، نفت و گاز (انرژی) و تحریمهای مثبت و منفی اشاره می‌کند. بدیهی است با توجه به

1. Think Again: Soft Power
2. Soft Power and Public Diplomacy in the 21st Century



تولید قدرت نرم در این مؤلفه‌ها و منابع، می‌توان از آنها به عنوان مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم اقتصادی نای نیز نام برد.

با بررسی و کنکاش بیشتر در برخی از آثار اندیشمندان، به طور دقیق می‌توان مفهوم «قدرت نرم اقتصادی»<sup>۱</sup> را دریافت کرد:

**توماس برگر**<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان «ژاپن در آسیا: یک مورد سخت برای قدرت نرم»، سه مجموعه از دارایی‌ها را از قبیل: قدرت نرم اقتصادی، نهادهای بین‌المللی منطقه‌ای و شمای کلی ژاپن در میان کشورهای همسایه به عنوان منابع مهم از قدرت نرم ژاپن ذکر می‌کند. وی در خصوص قدرت نرم اقتصادی می‌گوید: «قدرت اقتصادی یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین منابع قدرت نرم است» و قدرت نرم اقتصادی را حداقل به سه روش ذیل تعبیر می‌کند و هر یک از این سه روش را در قدرت نرم اقتصادی ژاپن مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد:

۱. قدرت نرم اقتصادی می‌تواند کشورهای دیگر را برای تمایل به همکاری و کار با یک کشور به منظور شکوفایی خواسته‌های در حال افزایش‌شان تحت تأثیر قرار دهد.

۲. قدرت نرم اقتصادی با یک موفقیت ملی ممکن است تا اندازه‌ای کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد که آن را به عنوان الگوی اقتصادی در نظر گرفته، در پی تقلید از آن باشند.

۳. قدرت نرم اقتصادی ممکن است یک کشور را قادر سازد که انواع مختلفی از فعالیتهای قدرت نرم برون‌مرزی را بر عهده بگیرد. (برگر، ۲۰۱۰: ۵۷۴-۵۶۹)

**کریستوفر بی. ویتنی**<sup>۳</sup> در مقاله «قدرت نرم در آسیا: نتایج یک نظرسنجی چند ملیتی در سال ۲۰۰۸ از افکار عمومی»، که نتایج تحقیقی به سفارش شورای شیکاگو در امور جهانی است؛ افکار عمومی را در منطقه آسیا برای ارزیابی قدرت نرم مورد بررسی و مطالعه قرار داد است. ویتنی قدرت نرم را به پنج نوع اقتصادی، فرهنگی، سرمایه‌انسانی، سیاسی و دیپلماسی تقسیم می‌کند و از طریق پرسشنامه‌ای با ۶۰ یا ۷۰ سؤال برای کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، ویتنام، اندونزی و آمریکا، شاخصهایی برای هر یک از این ابعاد پنج‌گانه قدرت نرم به کار می‌گیرد. سپس این پنج شاخص را برای تولید یک «شاخص قدرت نرم»<sup>۴</sup> کل متوسط‌گیری می‌کند. وی قدرت نرم اقتصادی را مهم‌ترین و اولین نوع قدرت نرم دانسته، برای اندازه‌گیری آن شاخصهایی از قبیل اهمیت روابط اقتصادی، احتمال

1. Economic Soft Power
2. Thomas Berger
3. Christopher B. Whitney
4. Overall "Soft Power Index"



خرید محصولات، موافقت‌نامه تجارت آزاد، نفوذ اقتصادی، کمک به توسعه اقتصادی کشورها، کمک‌های بشردوستانه، سهم شرکتهای اقتصاد رقابتی، فرصتهای اقتصادی برای نیروی کار، روحیه کارآفرینی، پیشرو در شرکتهای برجسته چند ملیتی و کیفیت محصولات را مطرح می‌کند. (ویتنی، ۲۰۰۹: ۷-۹)

**داگلاس گاول<sup>۱</sup>**؛ در تحقیقی با عنوان «دوره در حال تغییر: استفاده از قدرت نرم آمریکایی جهت تأثیرگذاری بر روابط آمریکا-کوبا» که در دانشگاه هاروارد انجام شده است؛ با اشاره به بحث قدرت نرم اقتصادی، آن را چنین شرح می‌دهد: «نای، در تعریف خود از قدرت نرم، تمایل به حداقل کردن جاذبه اقناع از دارایی‌های اقتصادی دولتی دارد؛ در عوض او تمایل به برجسته کردن منابع اقتصادی به رده قدرت سخت، با تشبیه کردن آنها به نیروی نظامی دارد. من معتقدم که این جنبه‌ای از نظریه نای باید به دلیل اثرات عمیق و دگرگونی تجارت جهانی شدن بیش از دو دهه گذشته، مجدداً بازنگری شود. پیشرفتهای فوق‌العاده به کارگرفته شده در ارتباطات و حمل و نقل که مرزهای ملی را ارتقا می‌بخشد، که شاید هرگز قبل از آن نبوده، ارتقای بسیاری از فرصتهای پیشرفته و جدید برای کشورها و ملتها که تعامل اقتصادی را- بدون نیاز به تهدید یا اجبار- ایجاد می‌کند و اغلب منافع همه طرفهای درگیر را در بر دارد. این فرصتها برای کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که به دنبال رسیدن به رده کشورهای توسعه‌یافته‌اند- نظیر چین، هند و ویتنام که نمونه اولیه‌اند. می‌توانند به شدت اقناع را ایجاد کند. (گاول، ۲۰۱۱: ۳۹)

**الله‌مراد سیف**؛ در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، قدرت نرم اقتصادی را میزان نفوذ از طریق ایجاد جاذبه اقتصادی تعریف می‌کند و گونه‌شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را شامل پنج‌گانه ایجاد جاذبه اقتصادی از طریق ابزارهای اقتصادی، ایجاد جاذبه اقتصادی از طریق ابزارهای سیاسی، ایجاد جاذبه اقتصادی از طریق ابزارهای فرهنگی؛ ایجاد جاذبه سیاسی از طریق ابزارهای اقتصادی؛ ایجاد جاذبه فرهنگی از طریق ابزارهای اقتصادی می‌داند. (سیف، ۱۳۸۹: ۲-۹)

#### ۴. نگاه شناختاری به قدرت نرم اقتصادی (چیستی، انواع، اهداف، منابع و نتایج)

##### الف) چیستی قدرت نرم اقتصادی

همان طور که پیش‌تر بیان شد؛ آنچه مدّ نظر قدرت نرم اقتصادی است، وجه نرم و نرم‌افزارانه اقتصاد است. برای پرداختن به وجه نرم، ابتدا اقتصاد باید از سه



منظر مورد توجه قرار گیرد: اول آنکه، یک تعبیر می‌تواند این باشد که قدرت نرم اقتصادی و قدرت سخت اقتصادی دو گونه پرداختن به اقتصاد است. پس باید بین آنها تمایز روشن و مشخصی در نظر گرفت. دوم آنکه، قدرت نرم اقتصادی و قدرت سخت اقتصادی دو نگاه به موضوعات اقتصادی‌اند. بنا براین، تفکیک بین آنها نه تنها کمکی به بحث نمی‌کند، بلکه در عمل و در جهان بیرونی نیز تمایز و تشخیص آنها بسیار مشکل است. سوم آنکه، قدرت نرم اقتصادی به عنوان ماهیت وجود ندارد، بلکه تنها کاربرد وجه نرم قدرت سخت اقتصادی است. به عبارت دیگر؛ قدرت نرم اقتصادی نوعی پرورش‌دهنده قدرت سخت اقتصادی است نه ماهیتی جداگانه. نظر به مباحث قبل، به نظر می‌رسد هر سه نکته در اینجا مد نظر باشد.

از منظر اول، قدرت نرم اقتصادی و قدرت سخت اقتصادی از نظر ماهوی دو چیز مختلفند. یک‌سری از تمایزات بین قدرت نرم و قدرت سخت اقتصادی را می‌توان این‌گونه فهرست کرد: غیر خشونت‌آمیز بودن رفتارهای اقتصادی در مقابل رفتارهای خشونت‌آمیز؛ غیر فیزیکی بودن ابزارهای اقتصادی در قبال فیزیکی بودن آنها؛ تأثیرگذاری بر اراده عاملان اقتصادی به جای عمل و اقدام آنها؛ استفاده از منابع غیر ملموس اقتصادی در قبال منابع ملموس اقتصادی؛ مواجهه غیر مستقیم اقتصادی به جای مواجهه مستقیم اقتصادی؛ تأکید بر وجه جذابیت اقتصادی به جای فشار و تهدید اقتصادی؛ اولویت پذیرش سیاستهای اقتصادی به جای تحمیل آن؛ اخلاقی و وظیفه‌گرا بودن در اقتصاد تا نتیجه‌گرا بودن؛ تأثیر بر ادراک و اذهان و تصویرسازی در فعالان اقتصادی به جای رفتار عینی و برخورد مادی با آنان؛ ذهنی بودن ارزشهای اقتصادی به جای عینی بودن؛ اولویت وجه فرهنگی اقتصادی به جای اقتصادی صرف بودن.

از منظر دوم، واژه اقتصاد دلالت بر مجموعه موضوعاتی دارد که این موضوعات در بسیاری از موارد بین قدرت سخت اقتصادی و نرم یکسان است: هر دو دارای وجوه ایجابی و سلبی‌اند؛ هر دو جنبه داخلی و خارجی دارند؛ هر دو را می‌توان به تهدید و آسیب تقسیم کرد؛ برای هر دوی آنها تهدید و فرصت می‌توان تعریف کرد؛ هر دو مطلق نیستند و تنها در وجه نسبی قابل پیگیری‌اند. به تعبیر دیگر؛ هر دو نوعی نگاه یکسان به بحث اقتصاد دارند.

از منظر سوم نیز قدرت نرم اقتصادی از دو حیث به پرورش قدرت سخت اقتصادی کمک می‌کند: یکی در شکل‌گیری قدرت اقتصادی و دیگری در تداوم آن.

## ب) انواع قدرت نرم اقتصادی

با توجه به مباحث پیشین و نظریه نای که اقتصاد قوی را نه تنها منبع تحریم و پاداش دانسته، بلکه منبعی برای جذابیت نیز می‌داند (نای، ۱۳۸۷: ب: ۴۷)؛ می‌توان قدرت نرم اقتصادی را شامل فرهنگ، ارزشها، نهادها، سیاستها، عقلانیتها و رفتارهای متعدد اقتصادی در برآوردن نیازهای اساسی و حیاتی دانست که معطوف به تأمین رفاه جامعه و منشهای انطباق‌پذیری و ارتباط با محیط فیزیکی پیرامون است. از این حیث، قدرت نرم اقتصادی صرفاً با نیازهای مادی شناخته نمی‌شود؛ بلکه تحت تأثیر ترکیب خاصی از عقلانیت‌های راهبردی یا فنی اقتصادی (سودآوری و تولید و ثروت)، سیاسی (امنیت و رفاه عمومی و حفظ منزلت موجود) و فرهنگی (ارزش‌گرایی و مطلوب‌گرایی و کمال‌خواهی) می‌باشد. از این منظر، هدف اقتصاد دیگر تنها کسب سود و افزایش منفعت فردی و گروهی کنشگران درگیر در صحنه اقتصادی نیست، بلکه اهداف والاتر دیگری را نظیر اخلاقی و انسانی کردن روابط اقتصادی و حاکمیت فرهنگ و سیاست در استخدام محیط برای رفع نیازهای فردی و جمعی نیز در بر می‌گیرد.

این ملاحظه؛ اولاً در راستای اصل نفع‌طلبی اسمیت در اقتصاد است؛ زیرا اسمیت نفع شخصی را به صورت بی‌قیدوبند مطرح نکرد، بلکه معتقد بود: «هر انسان مادامی که قوانین عدالت را نقض نکرده است، به طور کامل آزاد گذاشته می‌شود تا نفع خود را به شیوه دلخواهی دنبال کند» (الوی، ۱۹۹۹: ۵۸). ثانیاً در راستای خواست اقتصاددانان معروفی همچون: فردریک لیست<sup>۱</sup>، ویلهلم روشر<sup>۲</sup> و برونو هیلد براند<sup>۳</sup> بوده که در واکنش به نظام اقتصاد سرمایه‌داری و انتقاد به حصر انگیزه‌های صرفاً در انگیزه منفعت شخصی، بر روی عناصر اخلاقی در اقتصاد تأکید فراوان ورزیده و «انسان اقتصادی» کلاسیک‌ها را نه به عنوان الگوی انسان، بلکه کاریکاتوری ناقص از انسان معرفی می‌کنند (آربلاستر، ۱۳۸۸: ۶۸). ثالثاً تأکید بر ناسازگاری «اقتصاد صرفاً با منافع مادی» با واقعیت است؛ چون عوامل گوناگونی به عنوان محرک رفتار انسانها وجود دارند که لزوماً همگی در دایره منافع مادی، محصور نیستند. انگیزه‌هایی همچون: نوع‌دوستی، وظیفه‌شناسی، وطن‌دوستی، شهرت‌طلبی، ایثار و از خود گذشتگی و... نیز می‌توانند محرک فعالیت‌های اقتصادی افراد باشند. حتی در نزد پیروان ادیان الهی، پاداش اخروی و اجر و ثواب در جهان دیگر، انگیزه بسیاری از رفتارها و اقدامات اقتصادی است.

1. Alvey
2. Friedrich List
3. Wilhelm Roscher
4. Bruno Hildebrand





همچنین گفتنی است که در اقتصاد، موارد مشمول قدرت نرم اقتصادی که ذکر آن رفت، همواره مهم و مورد تأکید اقتصاددانان بوده و است. برای مثال؛ در نگاه و عمل تورستن وبلن،<sup>۱</sup> علم اقتصاد چیزی نیست جز بررسی جنبه‌های مادی فرهنگ انسانی (متوسلی، ۱۳۸۴: ۳۶۹). یا در خصوص «ارزشها»، گونار میردال<sup>۲</sup> برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۴ اظهار می‌دارد: «ارزشها در مسائل ما [اقتصاد] حضور دارند، حتی اگر ما تظاهر به حذف آنها کنیم (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۹). همچنین در خصوص نقش نهادها در اقتصاد، نورث،<sup>۳</sup> برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۴ تأکید می‌کند: «نهادها، عوامل اصلی تعیین‌کنندهٔ عملکرد اقتصادی اند» (نورث، ۱۹۹۳: ۱). در خصوص سیاستها در اقتصاد نیز دسته‌ای از اقتصاددانان معتقدند نه تنها احکام سیاست اقتصادی، بلکه تقریباً همهٔ احکام اساسی علم اقتصاد، به گونه‌ای تجویزی‌اند. (بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۰۳)

بر این اساس، امروزه در اقتصاد، توجه به قدرت نرم اقتصادی و به کارگیری منابع و ابزارهای نرم اقتصادی داری اهمیت بسزایی بوده، با عنایت به سطوح فرهنگ اقتصادی در سه سطح بینش، منش و کنش اقتصادی ذیل (نگاهداری، ۱۳۸۶: ۴)، داری اهمیت دو چندان است:

**بینش اقتصادی؛** به معنای شناخت، آگاهی و باورهای حاکم بر تلقیات انسان از اقتصاد و نقش آن در زندگی موجود بشری است؛ اینکه افراد تا چه حد معتقد و آگاهند که فعالیتهای اقتصادی آنها می‌باید مبتنی بر ارزشهای انسانی باشد و امور اقتصادی را تنها محدود به جستجوی نفع شخصی بدون توجه به محیط و دیگران قلمداد نکنند.

**منش اقتصادی؛** منظور از منش اقتصادی، تعهد به رفتار اقتصادی انسانی در جامعه است. به عبارت دیگر؛ آمادگی و روحیهٔ لازم برای انجام فعالیتهای اقتصادی است. افراد با منش اقتصادی توسعه‌گرا و انسانی، آمادگی بیشتری دارند در جهت تغییر وضعیت مادی خود و هدایت آن به سمت وضعیتی مطلوب‌تر و انسانی‌تر گام برداند.

**کنش اقتصادی؛** به کارگیری عملی عقلانیتها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. منظور از کنش و عمل اقتصادی، همان رفتارها و اعمال عینی و واقعی افراد در امر تأمین مادی و رفاه خود است. هر عمل و کنشی در این سطح موجب تغییر در وضعیت افراد و نیز به طور کلی در جامعه می‌شود. اگر این کنشها صرفاً مبتنی بر کسب سود باشد، بی‌نظمی و اختلالات و مهم‌تر از همه، نابرابری‌ها در وضعیت

1. Torstein Veblen  
2. Gunnar Myrdal  
3. North





اقتصادی به وجود خواهد آمد و اگر این کنشها مبتنی بر منافع عمومی بوده و همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر نیازهای بشری را در بر بگیرد، می‌تواند سرچشمه منافع فراوانی برای فرد و جامعه شود.

دقت و تعمق بیشتر در موارد پیش گفته، نوعی نگرش نو به مباحث اقتصادی را موجب می‌شود؛ چون قدرت نرم اقتصادی ناظر به ابزارهایی است که غیر خشونت‌آمیز، مبتنی بر گفتگو، اجماعی و مشروعیت‌بخش است و در آن، نوعی ارتباط و همخوانی بین سه سطح اقتصاد، سیاست و فرهنگ برقرار می‌شود؛ یعنی یک نوع بینش، منش و کنش و عمل اقتصادی برخاسته از شناخت افراد و آمادگی آنها برای تحقق بخشی به اهداف سه‌گانه اقتصادی (سود اقتصادی و منفعت‌گرایی)، سیاسی (امنیت اقتصادی و مصلحت‌گرایی) و فرهنگی (اخلاق اقتصادی و فضیلت‌گرایی) است؛ به گونه‌ای که نوعی تغییر رفتار اقتصادی را در راستای سعادت و رشد تعالی انسانی را به ارمغان می‌آورد. بنابر این، نوعی تعامل دوگانه را در سطح منابع و اهداف در شکل‌گیری قدرت نرم اقتصادی - با به کارگیری منابع مختلف (اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی) برای رسیدن به اهداف (اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی) - موجب می‌شود. به عبارت دیگر؛ موجب شکل‌گیری قدرت نرم اقتصادی در دو سطح می‌شود: یکی در «سطح منابع»، که منابع اقتصادی برای اهداف نرم (اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی) به کار می‌رود و دیگری در «سطح اهداف»، که اهداف اقتصادی با منابع نرم (اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی) تحقق می‌یابد. به بیان دیگر؛ در قدرت نرم اقتصادی، چنانچه تنها اهداف یا منابع نرم از جنس اقتصادی باشند، برای شکل‌گیری آن کفایت می‌کند؛ یعنی در قدرت نرم اقتصادی حداقل یکی از این دو (منابع نرم و یا اهداف) لزوماً اقتصادی یا در محدوده مسائل اقتصادی است. از این رو، با توجه به سطح «منابع نرم» یا سطح «اهداف»، انواع قدرت نرم اقتصادی به قرار زیر خواهیم داشت:

نوع اول: تحقق اهداف اقتصادی از طریق منابع نرم اقتصادی (قدرت نرم اقتصادی محض)؛

نوع دوم: تحقق اهداف اقتصادی از طریق منابع نرم فرهنگی (قدرت نرم اقتصادی غیرمحض)؛

نوع سوم: تحقق اهداف اقتصادی از طریق منابع نرم سیاسی (قدرت نرم اقتصادی غیرمحض)؛

نوع چهارم: تحقق اهداف فرهنگی از طریق منابع نرم اقتصادی (قدرت نرم اقتصادی غیرمحض)؛

نوع پنجم: تحقق اهداف سیاسی از طریق منابع نرم اقتصادی (قدرت نرم اقتصادی غیرمحض).



## ج) اهداف قدرت نرم اقتصادی

با نگاهی به مباحث قدرت نرم، اهداف قدرت نرم اقتصادی را می‌توان در چهار طیف مهم به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد.

**هدف اول:** تغییر رفتار اقتصادی: با توجه به مباحث قبل؛ هدف نهایی در به کارگیری قدرت نرم عبارت است از: «متقاعدسازی»، «قانع کردن»، «جلب نظر»، «تغییر ذائقه‌ها» و «تغییر رفتارها». در واقع؛ هدف اولیه و اساسی از اعمال قدرت نرم، تغییر رفتار است که از این تغییر رفتار، اهدافی همچون: کسب منفعت، مصلحت، اعمال سلطه، کاهش هزینه‌های قدرت سخت و مانند اینها دنبال می‌شود. اولویت این اهداف در لیبرالیسم، کسب منفعت شخصی و در اسلام، مصلحت عموم است. بنابر این، هدف اولیه و اساسی از اعمال قدرت نرم اقتصادی، تغییر رفتار اقتصادی است تا در پی این تغییر رفتار، بتوان اهداف ذیل را در اقتصاد دنبال کرد:

- افزایش مشارکت اقتصادی مردم؛
- افزایش کارآمدی اقتصادی دولت؛
- افزایش انسجام اقتصادی؛
- افزایش خودباوری ملی در عرصه اقتصادی؛
- تشدید و تقویت همگرایی در اقتصاد میان ملتها و دولتها؛
- افزایش مقبولیت سیاستهای اقتصادی نزد افکار عمومی؛
- افزایش منافع اقتصادی.

**هدف دوم:** به کارگیری بیشتر وجوه نرم در اقتصاد و عدم استفاده از اجبار و زور در اهداف اقتصادی: به تعبیر نای، امروزه اشکال جدید حمل و نقل و ارتباطات بر وابستگی متقابل، تأثیر انقلابی از خود بر جای گذاشته است و افول هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات، بازارهای جهانی را از اساس دگرگون کرده و توسعه همکاری‌های فراملی، انتقال فعالیت اقتصادی به فراسوی مرزهای ملی را شتاب بخشیده است. تجارت جهانی با سرعتی بیشتر از تولید جهانی رشد پیدا کرده و اهمیت این پدیده در همه اقتصادهای مهم جهان افزایش یافته است. نقش تجارت در طول دو دهه گذشته به بیش از دو برابر رسیده است. تغییرات بازارهای ملی حتی حیرت‌انگیزترند. حجم جریانهای پولی بین‌المللی به ۲۵ برابر میانگین تجارت روزانه کالاها در سطح جهان رسیده است. نوگرایی، شهرنشینی و ارتباطات رو به افزایش در کشورهای در حال توسعه نیز سبب پراکنده شدن قدرتها و حرکت آنها به سوی بازیگران خصوصی شده است. در اقتصاد جهانی، استفاده از زور، اهداف اقتصادی را به خطر انداخته است. انقلاب اطلاعات و جهانی‌سازی، باعث تغییر و



کوچک شدن جهان شده‌اند. انقلاب اطلاعاتی در حال ایجاد جوامع و شبکه‌های مجازی شده است که باعث حذف مرزهای ملی می‌شوند. بسیاری از سازمانها، شهروندان را جذب ائتلافهایی می‌کنند که مرزهای ملی را پشت سر می‌گذارند. توانایی سهیم بودن در اطلاعات- مورد باور قرا گرفتن- تبدیل به منبع مهمی از جذابیت و قدرت می‌شود. بنابر این، برای قدرتهای مدرن و بزرگ، استفاده مستقیم از زور برای اهداف اقتصادی، عموماً بسیار خطرناک و هزینه‌بردار شده و با توجه به ضرورت نگاه جدید به اقتصاد، عدم استفاده از اجبار و زور در اهداف اقتصادی، امری بسیار مهم گشته است و در مقابل، لزوم به کارگیری بیشتر وجوه نرم در اقتصاد را بیش از پیش گوشزد می‌کند. این امر کاهش خشونت را در اقتصاد به دنبال دارد که یک هدف اخلاقی است؛ زیرا در جریان خشونت، نفرتی ریشه می‌دواند که رفع آن در بسیاری از اختلافات داخلی یا خارجی به غایت مشکل است.

همچنین استفاده از وجوه نرم در اقتصاد، باعث ایجاد مشروعیت و مقبولیت بیشتر شده و در راستای هدف اول قرار می‌گیرد. در واقع؛ مشروعیت باعث می‌شود در قدرت سخت اقتصادی، قدرت برهنه<sup>۱</sup> تبدیل به قدرت اقتداری<sup>۲</sup> شود. قدرت اول که بر اساس منافع، کنترل بر ثروت و قدرت است، برای توجیه خود، از طریق فرایند مشروعیت، تبدیل به اطاعت از فرمان شده و اقتدار خود را به دست می‌آورد. به تعبیر وبر؛ نظم<sup>۳</sup> زمانی معتبر و پایا<sup>۴</sup> خواهد بود که باور به وجود نظم مشروع وجود داشته باشد. بحث اقتدار، ریشه در این موضوع دارد: چنانچه کاربرد قدرت سخت اقتصادی با صلاحیت و مجوز قانونی باشد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه مؤثر بودن و کاربرد دقیق آن می‌تواند در حوزه داخلی برای ایجاد عدالت، امنیت و رفاه اقتصادی و در حوزه بین‌المللی برای فراهم ساختن جهانی امن‌تر مناسب باشد و در عین حال، می‌تواند در صورت مؤثر بودن، جنبه پیشگیرانه نیز داشته باشد و کسی را مجالی برای خطا و قانون‌شکنی نکند. همچنان که هر قدر وجه اقتداری و معنوی قدرت اقتصادی جا بیفتد، پذیرش قواعد اقتصادی با مقاومت کمتری صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر؛ کاربرد قدرت سخت اقتصادی در اینجا زمانی مد نظر قرار می‌گیرد که با رضایت همراه باشد و کارایی اقتصادی بیشتری را در پی داشته باشد. اما این موضوع نباید با مباحث نومحافظه‌کاران خلط شود. به نظر آنها: قدرت سخت برای دفع یک شر به هر طریقی خیر و صلح‌آور است. در واقع؛ در این هدف

1. Factual Power
2. Authorative Power
3. Order
4. Validity



دوم، قدرت سخت اقتصادی می‌تواند برای ایجاد منطقه حایل بین مناطق اختلافی یا مثل کمک به سیل‌زدگان یا افراد گرفتار در زلزله، کاملاً مطلوب به نظر برسد و اتفاقاً در این حوزه، قدرت نرم اقتصادی چندان کارآمد نیست، بلکه باید از قدرت سخت اقتصادی بهره‌برداری نرم کرد. در عین حال، اگر قدرت سخت اقتصادی با دیپلماسی مشارکتی و غیرتحریک‌آمیز باشد، به وجه نرم قدرت سخت اقتصادی کمک فراوانی می‌کند. اما در اینجا، اگر قدرت سخت اقتصادی یا توان اقتصادی به شیوه نادرست اعمال شود، شدیداً به وجه قدرت نرم اقتصادی صدمه زده، در میان مدت یا بلندمدت، قدرت سخت اقتصادی را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد.

**هدف سوم: ایجاد جاذبه‌ها و جذابیت‌های اقتصادی:** قدرت نرم به طور گسترده متکی بر قدرت اقناع و جاذبه است. به تعبیر نای، قدرت نرم، توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جاذبه و جلب دیگران است. در این رابطه، اقتصاد به عنوان بخش مهمی از زندگی اجتماعی انسان که در بر گیرنده روابط تولید، توزیع و مصرف بوده و در همه مکاتب از جمله اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است، نقش مهمی را ایفا می‌کند. همان طور که پیش‌تر گفته شد، نای اقتصاد موفق را منبع مهمی برای جذابیت می‌داند. به عبارت دیگر؛ اقتصاد و موفقیت اقتصادی هنگامی که نظر مثبت دیگران را به خود جلب کرده و جنبه جذابیت پیدا کند، می‌تواند کاملاً در دایره قدرت نرم قرار بگیرد (علوی، ۱۳۹۰). بر این اساس، یکی دیگر از اهداف مهم قدرت نرم اقتصادی را می‌توان میزان نفوذ و جلب نظر دیگران از طریق ایجاد جاذبه و جذابیت اقتصادی عنوان کرد که در آن، به مباحثی در اقتصاد پرداخته می‌شود که جنبه‌های نمادین، جذابی، ادراکی، تصویری، ذهنی، غیر مستقیم و ایجابی دارد. در واقع؛ اقتصادی که در اذهان و قلوب مردمی جا نیفتد، با هیچ چیز نمی‌توان آن را نهادینه کرد. این هدف، نیاز به تبادل و پذیرش دارد. در فضای پست‌مدرنی و جهانی‌شده امروز، باوری که گستره بیشتری دارد، راه خود را باز خواهد کرد. آنچه در اینجا اهمیت دارد، منطق و موتور درونی یک باور اقتصادی است. نکته اساسی دیگر، درست طرح کردن آن است؛ زیرا بزرگ‌ترین ضربه به این وجه اقتصاد، بد طرح کردن آن است. این میدانی است که بسیاری از باورهای جهان‌شمول، از جمله باورهای اقتصادی، باید وارد شوند تا جهانی پیشرفته‌تر در سطوح مختلف ایجاد کنند.

**هدف چهارم: مقابله با تهدیدهای نرم اقتصادی:** بدیهی است در نقطه مقابل قدرت نرم اقتصادی، بحث تهدیدهای نرم اقتصادی مطرح می‌شود که مقابله با آن را می‌توان هدف دیگر قدرت نرم اقتصادی به شمار آورد. چنانچه بیان شد،



تهدید نرم اقتصادی از جانب نظام سلطه علیه کشورهای دیگر، برای اعمال سلطه بیشتر است که در عصر حاضر، در قالب استعمار فرانو در صحنه جهانی ظاهر شده است. بنابر این، مقابله با تهدیدهای نرم اقتصادی به عنوان یکی از اهداف قدرت نرم اقتصادی، به طور عمده در کشورهایی که هدف نظام سلطه قرار دارند، مطرح است و بدیهی است که اهمیت آن در هر کشوری، به تناسب فرهنگ و موقعیت آن متفاوت می‌باشد. نظام جمهوری اسلامی در کشور ما ایران که طرح سیاست استکبارستیزی و تلفیق قدرت معنوی و مادی و صلح‌گرایی، از جمله اصول انقلابی آن است، با گفتمان «نه شرقی - نه غربی» سعی در گریز از چارچوب ساختار نظام سلطه داشته و دارد و با ساختار تبعیض‌آمیز و ظالمانه نظام بین‌الملل و رویکرد غالب آن رئالیسم، مخالفت کرده، قوانین و مقررات، سازمانهای بین‌المللی و حقوق بشر را ابزار سلطه دانسته و معتقد است که این سلطه باعث به حاشیه رفتن مفاهیم و رویکردهایی همچون: امت، عدالت، استقلال، اخلاق، مذهب، ارزشها، دفاع از جامعه مستضعفان و مبارزه با مستکبران و... شده است و هدف خود را از حاشیه به متن و صحنه عمل آوردن این مفاهیم و گفتمانها اعلام می‌کند. این هدف در قدرت نرم اقتصادی کشورمان بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس، در کشور عزیزمان ایران، مقابله با تهدیدهای نرم اقتصادی ذیل را می‌توان از اهداف مهم قدرت نرم اقتصادی به شمار آورد:

- رواج الگوی مصرف و سبک زندگی غربی؛
- ترجیح تولیدات غربی بر تولیدات داخلی؛
- رواج احساس تبعیض و بی‌عدالتی؛
- فساد اقتصادی در کارگزاران و حاکمیت؛
- ناکارآمدسازی نظام در عرصه اقتصادی؛
- کاهش خودباوری ملی در عرصه اقتصادی؛
- تضعیف اندیشه و الگوی اقتصاد ملی و اسلامی؛
- نفوذ عناصر غیر خودی در فرایند توسعه اقتصادی؛
- کاهش امنیت اقتصادی.

#### د) منابع قدرت نرم اقتصادی

در بررسی ما، مفهومی با عنوان «قدرت نرم اقتصادی» و موردی که به طور مستقیم در اندیشه‌های متعارف اقتصادی به آن پرداخته شده باشد، یافت نشد. اما با عنایت به مباحث مطرح شده در پیشینه قدرت نرم اقتصادی، می‌توان منابع و قدرت نرم



اقتصادی را به صورت استنباطی در آثار اندیشمندان اقتصادی یافت. در این رابطه می‌توان به اندیشه‌های نوین اقتصادی در اندیشه‌های: اقتصاد دولت رفاه، اقتصاد نهادگرایان، اقتصاد ساختارگرایان و اقتصاد دانش‌محور و اندیشه‌های اقتصادی آمارتیا کومار سن<sup>۱</sup> مراجعه کرد که در خلال مباحث آنها به بسیاری از منابع و ابزارهایی اشاره شده که می‌توانند به عنوان منابع قدرت نرم اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. لذا در اینجا به عنوان نمونه به اندیشه‌های اقتصادی آمارتیا کومار سن در کتاب «توسعه یعنی آزادی»<sup>۲</sup> می‌پردازیم.

آمارتیا کومار سن، تنها آسیایی تبار دریافت‌کننده نوبل، از جمله اقتصاددانانی است که به داشتن نگاه انسانی به علم اقتصاد مشهور شده‌اند. نظریه‌های اقتصادی که در بسیاری از موارد بر پایه محاسبات و قوانین خشک و مکانیکی به تحلیل شرایط جامعه و پیش‌بینی رویدادهای اقتصادی می‌پرداختند، این بار با ظهور دیدگاه‌های متفکری از شرق، پیوندی دوباره با انسان و واقعیت‌های رفتاری وی برقرار کردند؛ متفکری که تلاش می‌کند نگاهی انسانی به علمی داشته باشد که مبنای شکل‌گیری آن، رفتار و انتخاب‌های انسان است.

محمدسعید نوری نایینی در مقدمه ترجمه کتاب «توسعه یعنی آزادی»، در باره دیدگاه سن می‌گوید: «به طور کلی می‌توان برای توسعه دو دیدگاه قطبی بیان کرد که سایر برداشتها در گستره‌ای وسیع در میان این دو قرار می‌گیرند؛ یکی دیدگاهی است که توسعه را با مفاهیم و معیارهایی چون: رشد تولید ملی، افزایش درآمد، صنعتی شدن، پیشرفت فناوری، مدرنیزه شدن و جز اینها بیان می‌کند و می‌سنجد و دیگری، که توسعه را به صورت فرایند گسترش آزادی‌های واقعی بیان می‌کند و معیارش نیز تنها رضایت مردم است. این دیدگاه دوم است که تمامی کتاب سن را به خود اختصاص داده است» (سن، ۱۳۸۵: ۲۲). با ملاحظه دیدگاه دوم، به وضوح آشکار می‌شود که دیدگاه سن چقدر به مفهوم قدرت نرم اقتصادی، به خصوص به نتایج آن نزدیک است. همچنین با ملاحظه پنج نوع آزادی ابزاری که سن در کتاب خود ارائه می‌کند، به درک منابع قدرت نرم اقتصادی در دیدگاه وی خواهیم رسید. این آزادی‌ها را نوری نایینی در قالب منابع ذیل تشریح کرده است (همان: ۹۸-۳۱). از آنجا که همه آنها بر مبنای دیدگاه ذکر شده و از وجوه نرم برخوردارند، آنها را منابع قدرت نرم اقتصادی در دیدگاه سن تلقی می‌کنیم. بدیهی است اگر این منابع در اقتصاد کشورها عملی شود، به طور حتم قدرت برآمده از آن، قدرت نرم اقتصادی خواهد بود.

1. Amartya Kumar Sen  
2. Development as Freedom



۱. آزادی فرصت‌های اقتصادی؛ بدین معناست که همه مردم بدون هیچ‌گونه مانعی بتوانند به فعالیت‌های اقتصادی مورد نظر خویش بپردازند.

۲. ترتیبات و تسهیلات اجتماعی؛ به تعبیر سن، ترتیبات و تسهیلاتی که جامعه برای تأثیرگذاری بر آزادی‌های اساسی افراد در جهت زندگی بهتر و مرفه‌تر وضع می‌کند، مانند آموزش و بهداشت و اشتغال، نه تنها برای زندگی شخصی لازم است، بلکه برای مشارکت فعال‌تر و مؤثرتر در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی نیز بسیار مهم است.

۳. تضمین شفافیت؛ این مقوله در نظریه سن، شامل دو بحث مهم و اساسی است: بحث نخست، پیش‌فرض‌های رفتاری و عملکردی مردم و نهادهاست که در آن، مردم در اعمال و رفتار روزانه خویش، در بسیاری از موارد بر اساس پیش‌فرض‌های ذهنی در مورد رفتارهای خویش، رفتار دیگران، قوانین و مقررات، آداب و سنن و بالاخره شانس و اقبال و دهها پیش‌فرض دیگر عمل می‌کنند و هموعان خویش را افرادی درستکار می‌انگارند. تضمین شفافیت و وضوح باید درجه آشکاری امور را آن‌چنان که همگان انتظار دارند نشان دهد. بحث دوم، امکان پیشرفت شعورمدار است. در یک جامعه مردم‌سالار مبتنی بر آزادی و شعور، مردم بر اساس شعور و منطق و با فرصت برخورداری از اطلاعات گسترده‌ای که همه جوانب موضوعات و انتخابها را نشان می‌دهد، به قضاوت و رأی دادن می‌پردازند. از سوی دیگر، آنان که در اقلیت قرار دارند، به عنوان گروه‌های مخالف فعال، همواره فرصت نقد عملکردهای اکثریت و ارائه نظرات و راه‌حلهای خویش را برای مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارند و در صورتی که بتوانند بر اساس شعور و منطق، اکثریت را با خور همراه کنند، در انتخاب بعدی شانس پیروزی نیز خواهند داشت.

۴. اخلاق کسب و کار؛ از دید سن، اخلاق کسب و کار و اعتماد و احترام به قراردادهای در بازار نقش بسیار عمده‌ای دارد. این امر به کاهش هزینه کارکرد بازار کمک چشمگیری کرده، در موفقیت آن نقش اساسی ایفا می‌کند.

۵. مبارزه با فساد؛ نکته مهم دیگری که سن در توسعه مطرح می‌کند، فساد است. فساد از نظر اقتصادی بدان دلیل مهم است که گسترش آن می‌تواند سیاست‌های عمومی را بی‌تأثیر کند و سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مفید اقتصادی را در موارد سودمند، به سوی منافع سرشار از فعالیت‌های نادرست بکشاند.

۶. نظام حمایتی؛ سن یکی از سازوکارهای لازم و مکمل سازوکار بازار را نظام‌های حمایتی می‌داند که در کشور ما با عنوان کلی تأمین اجتماعی از آن یاد می‌شود. سن این حمایتها را در گسترده‌ای وسیع توصیه می‌کند.





۷. نقش انسان و وظیفه اجتماع؛ در این نگرش سن، مردم افرادی آزاد و مسئولند که با مشارکت جمعی خویش و با حضور فعال در تمامی مراحل فرایند توسعه، سرنوشت خویش را چنان که می‌خواهند رقم می‌زنند.

۸. نقش اساسی و سازنده مردم‌سالاری و مشارکت مردمی؛ مشارکت فعال مردم در تصمیم‌سازی و کارکردهای اجتماعی، به عنوان یک حق اولیه، مورد تأکید سن قرار دارد. آزادی این‌گونه مشارکتها، حقی است که انسانها با آن متولد می‌شوند و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان انسانی برتر، آنها را نفی کند.

۹. شکل‌گیری آگاهانه ارزشها؛ شکل‌گیری آگاهانه ارزشها نکته بسیار مهم دیگری است که سن در توسعه مطرح می‌کند. وی در این باره می‌گوید: ارزشها از باورهای ما و از باورهای پیشینیان ما و از آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و قومی ما سرچشمه می‌گیرند؛ هم متنوع و متفاوتند و هم با اندک تحمیلی سازگار و کارآمدند.

۱۰. مردم‌سالاری؛ از نظر سن، مردم‌سالاری نه تنها در انگیزش و اکنشهای اجتماعی در مقابل نیازهای اقتصادی نقش محوری دارد، بلکه در شکل‌گیری خود اندیشه نیازهای اقتصادی نیز بسیار مؤثر است.

۱۱. نقش سنت و فرهنگ؛ سن می‌گوید: هنگامی که به دلایل تغییرات اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز، توسعه با استمرار برخی سنتها و فرهنگها سازگار نباشد، در انتخاب، با مسئله ارزشی غیر قابل اجتنابی مواجه خواهیم بود. این مردم‌اند که باید به ارزیابی و انتخاب پردازند.

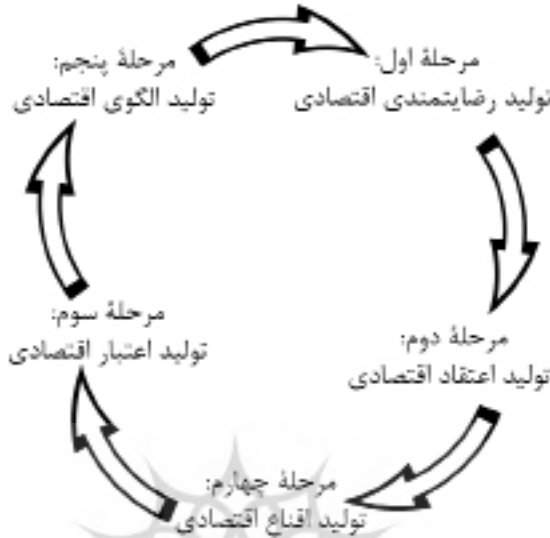
#### ه) نتایج قدرت نرم اقتصادی

همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده، قدرت نرم منجر به شکل‌گیری تصویر ذهنی مثبت از تولیدکننده آن در نظر مخاطب شده، باعث فراهم آمدن رضایتمندی در افکار می‌شود. همچنین، انباشت این رضایتمندی موجب کسب اعتبار نزد مخاطب شده و ادامه آن باعث باور مخاطب و اعتقاد او به تصویر ذهنی می‌شود. این امر در نهایت موجب می‌شود که اراده و رفتار مخاطب متأثر شده و بدون به کارگیری قدرت سخت، از محصول و برآیند قدرت نرم تمکین کند. البته نتایج قدرت نرم همیشگی و ثابت نیستند و چنانچه مطلوب افکار عمومی قرار نگیرند، از قدرتشان کاسته خواهد شد و چنانچه مطلوب افکار واقع شوند، بازتولید می‌شوند. با توجه به موارد پیش‌گفته، در قدرت نرم اقتصادی نیز می‌توان نتیجه نهایی





را طی پنج مرحله در یک دوره اقتصادی مورد توجه قرار داد. فرایند این نتایج و مراحل قدرت نرم اقتصادی در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: فرایند نتایج و مراحل قدرت نرم اقتصادی

**مرحله اول: تولید رضایتمندی اقتصادی؛** به کارگیری منابع قدرت نرم اقتصادی در یک دوره اقتصادی، تصاویر صلح‌آمیز و جذاب برای دیگران می‌فرستد. لذا در نخستین مرحله، موجب «تولید رضایتمندی اقتصادی» در جوامع اقتصادی می‌شود.

**مرحله دوم: تولید اعتقاد اقتصادی؛** تولید رضایتمندی اقتصادی در قدرت نرم اقتصادی، در مرحله دوم، سبک تفکر کشورهای دیگر را در اقتصاد تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا موجب «تولید اعتقاد اقتصادی» در جوامع اقتصادی می‌شود.

**مرحله سوم: تولید اعتبار اقتصادی؛** تولید اعتقاد اقتصادی در قدرت نرم اقتصادی، در مرحله سوم همگرایی و هم‌افزایی اقتصادی را در درون یک جامعه یا اجتماعی از کشورها فراهم کرده، باعث وحدت رویه بیشتر در اقتصاد و در واقع؛ موجب یک نوع «تولید اعتبار اقتصادی» در جوامع اقتصادی می‌شود.

**مرحله چهارم: تولید اقناع اقتصادی؛** تولید اعتبار اقتصادی در قدرت نرم اقتصادی، در مرحله چهارم درجه‌ای از رهبری یا هدایت را در تولید و سیاستهای اقتصادی برای حکومتها فراهم کرده، باعث به بار نشستن بهتر اقدامات و تدابیر اقتصادی سیاستمداران می‌شود و در نهایت، مجموعه نتایج در قدرت نرم اقتصادی



باعث اقناع یا القای اقتصادی شده، موفقیت سیاستهای داخلی و خارجی و منطقه‌ای را در پی دارد و موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی در جوامع اقتصادی در یک دوره اقتصادی می‌شود.

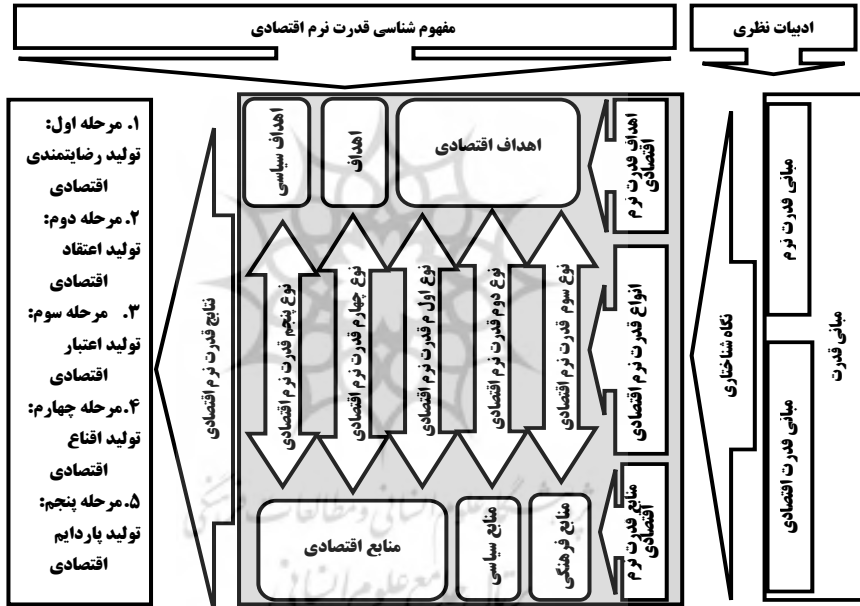
**مرحله پنجم: تولید الگوی اقتصادی؛** تولید اقناع اقتصادی در یک دوره اقتصادی، موجب افزایش سطح فعالیتها و تولیدات اقتصادی شده، رشد اقتصادی را در بخشهای اقتصادی سبب می‌شود و در نتیجه، «منحنی امکانات تولید» در اقتصاد را به بالا منتقل می‌کند و استمرار آن، تبدیل به یک «الگوی اقتصادی» می‌شود. این مرحله، مهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله قدرت نرم اقتصادی است؛ چون الگوی اقتصادی تولید شده، اقتصاد را در دوره بعد با اقتصادی پیشرفته و دارای قدرت اقتصادی بالا مواجه می‌سازد.

به منظور رونق اقتصادی در دوره‌های بعد، قدرت نرم اقتصادی همچنان می‌باید مورد توجه قرار گیرد و مجدداً طی مراحل خود، رضایتمندی، اعتقاد، اعتبار و اقناع اقتصادی را تولید کند تا الگوی اقتصادی همچنان در مسیر توسعه و تعالی قرار گرفته، به مسیر خود که در راستای کمال رشد انسانی است، ادامه دهد. حال اگر در هر زمان از یک دوره اقتصادی یا یک دوره از اقتصاد، قدرت نرم اقتصادی مورد غفلت قرار گیرد، جامعه اقتصادی با تهدید نرم اقتصادی مواجه خواهد شد که هدف آن، نابسامانی اقتصادی و شروع نارضایتی در اقتصاد است و ادامه آن، بر عکس مراحل قدرت نرم اقتصادی عمل خواهد کرد و چنانچه مدیریت نشود، در مراحل خود موجب کاهش اعتقاد و اعتبار اقتصادی در نزد مردم شده، اقتصاد را با بحران مواجه خواهد کرد. ادامه این بحران، الگوی اقتصادی تولید شده را نیز با چالش مواجه کرده و در نهایت، منجر به شکست و نابودی آن خواهد شد. این مسئله دقیقاً با نظریه کوهن در الگوها هماهنگی دارد. در واقع؛ تهدید نرم اقتصادی مانند «اعوجاجات» در الگوها عمل کرده، شکست الگو را همراه دارد. در قدرت نرم اقتصادی برای عدم مواجهه با شکست الگوی اقتصادی، باید اهداف قدرت نرم اقتصادی - شامل تغییر رفتار اقتصادی، به کارگیری بیشتر وجوه نرم در اقتصاد و عدم استفاده از اجبار و زور در اهداف اقتصادی، ایجاد جاذبه‌ها و جذابیت‌های اقتصادی و بالاخره مقابله با تهدیدهای نرم اقتصادی که پیش‌تر به آنها پرداخته شد - در تمام دوره‌های اقتصادی مد نظر قرار گیرند تا با حفظ یا ایجاد الگوهای جدید و پیشرفته، توسعه و تعالی اقتصادی در قدرت نرم اقتصادی همچنان تداوم یابد.



## ۵. چارچوب مفهومی قدرت نرم اقتصادی

پرسش از چیستی و مفهوم قدرت نرم اقتصادی، دو بحث بسیار مهم را در بر داشت؛ اول، چیستی معنایی بود و دوم، چیستی مفهومی. در چیستی معنایی این پرسش مطرح شد که آیا قدرت نرم و سخت اقتصادی، دو نوع بررسی از یک موضوع است یا دو نوع نگاه به یک موضوع؟ یا اینکه مکمل هم می‌باشند؟ در چیستی مفهومی نیز این پرسش مطرح شد که انواع، اهداف، منابع و نتایج قدرت نرم اقتصادی چیست؟ این موضوع ما را به نگاه شناختاری قدرت نرم اقتصادی رهنمون ساخت. لذا با توجه مباحث قبلی و نگاه شناختاری قدرت نرم اقتصادی، چارچوب مفهومی تحقیق را در این مقاله را می‌توان به صورت شکل ۳ نشان داد.



شکل ۳: الگوی مفهومی تحقیق

## ۶. جمع‌بندی

پژوهش حاضر به دنبال این بود که با توجه به گرایش فضای بین‌المللی به قدرت نرم و به وجوه نرم در اقتصاد، موضوع قدرت نرم اقتصادی را بررسی و مفهوم‌شناسی کند. این کار در دو بخش صورت گرفت و نتایج ذیل حاصل شد:

در بررسی پیشینه ادبیات نظری و تجربی، ملاحظه شد که در حوزه اقتصادی، وجوه نرم فراوانی را می‌توان یافت. با این وجود، در آثار اندکی به طور دقیق از مفهومی با عنوان «قدرت نرم اقتصادی» استفاده شده و به صورت مختصر به آن پرداخته شده



است و فقر شدید منابع در این حوزه وجود دارد که این امر، اهمیت این اثر را دو چندان می‌کند.

در بخش دوم نشان داده شد که آنچه از منظر جوزف نای مطرح است، نگاههای معطوف به قدرت نرم به معنای جذابیت و فریبایی می‌باشد. این نظر در واکنش به افراط نومحافظه‌کاران حاکم در دوره بوش و در آستانه سده بیست و یکم مطرح شد و از این رو، بر وجوه نرم تأکید داشت. اما در این مقاله در نگاه شناختاری به قدرت نرم اقتصادی عنوان شد که هر سه نگاه یا ژرف‌نمایی سه بعدی به قدرت نرم اقتصادی مدّ نظر است که دارای ابعاد مختلفی از: انواع، اهداف، منابع و نتایج می‌باشد و در مجموع به ما سه نکته مهم را گوشزد می‌کند: اول اینکه؛ درک و شناخت قدرت نرم اقتصادی، حوزه بسیار مهمی است که نمی‌توان از آن غفلت کرد. دوم اینکه؛ قدرت نرم اقتصادی در ابعاد و حوزه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که قدرت سخت اقتصادی کارایی ندارد یا در بدو امر نیازی به آن نیست. سوم اینکه؛ قدرت نرم اقتصادی باید در کنار قدرت سخت اقتصادی ایفای نقش کند تا کارایی بیشتر در هر اقتصادی به دست آید. هر یک از این دو بدون دیگری، قدرت تأثیرگذاری خاص خود را از دست خواهند داد. این موضوع درست شبیه بحث «قدرت هوشمند» است که از آن می‌توان به نام «اقتصاد هوشمند» یاد کرد.

بنابر این، با توجه به مباحث این پژوهش و نظر به نامگذاری چند سال اخیر از جانب رهبری انقلاب با عناوین «اصلاح الگوی مصرف»، «همت مضاعف و کار مضاعف»، «جهاد اقتصادی» و «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» و «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی»، با عنایت به نگرشهای نوین در اقتصاد و اهمیت بسزای به کارگیری منابع و ابزارهای نرم اقتصادی در آن، به خصوص اهداف و نتایج قدرت نرم اقتصادی که در این مقاله به طور مشروح بحث شد و همه موارد مذکور را به خوبی پوشش می‌دهد؛ پیشنهاد می‌شود موضوع قدرت نرم اقتصادی به منظور اثربخشی بیشتر عناوین پیش‌گفته، به طور جدی در محافل علمی و مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نیز در سیاستهای کلان و برنامه‌های سیاستمداران و برنامه‌ریزان و مدیران واحدهای مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد توجه و کنکاش قرار گیرد.

## منابع

۱. آربلاستر، آنتونی (۱۳۸۸)؛ **ظهور و سقوط لیبرال غرب**، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، چ چهارم.
۲. افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۷)؛ **قدرت نرم و سرمایه اجتماعی**، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج.
۳. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹)؛ **«ماهیت و عناصر قدرت نرم»**، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران، ساقی، چ دوم.
۴. امامزاده فرد، پرویز (۱۳۸۹)؛ **«بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر»**، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، ش ۷ (بهار).
۵. بختیاری، صادق (۱۳۷۹)؛ **«اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری و اقتصاد اسلامی»**، نامه مفید، ش ۲۳ (پاییز): ۹۹-۱۰۸.
۶. بلیک، ژانت و محمودرضا گلشن پژوه (۱۳۸۹)؛ **«قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادهای در راستای سیاست سازی»**، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، ش ۵۵ (تابستان).
۷. بولوردی، مجید (۱۳۸۷)؛ **«کالبدشکافی قدرت نرم»**، روزنامه کیهان، ش ۱۹۱۰۳، ۲۰ خرداد.
۸. ترزا، رینولد (۱۳۸۹)؛ **قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا**، ترجمه مجید رسولی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۹. جمالی، حسن (۱۳۷۹)؛ **تاریخ و اصول روابط بین الملل**، قم، مرکز تحقیقات اسلامی.
۱۰. خادمی، موسی (۱۳۹۰)؛ **تهدیدات اقتصاد ملی**، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۱. خوارزمی، شهیندخت؟ (۱۳۹۱)؛ **«نشست تخصصی با دکتر خوارزمی»**، همشهری آنلاین، چهارشنبه ۱۷ آبان، قابل دسترسی در:  
<http://new.hamshahrionline.ir/details/28709>
۱۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ **بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل**، تهران، علمی - فرهنگی.
۱۳. راسل، برتراند (۱۳۸۵)؛ **قدرت**، ترجمه نجف دریابندری، تهران، خوارزمی، چ چهارم.
۱۴. زرقانی، هادی (۱۳۸۸)؛ **مقدمه‌ای بر قدرت ملی: مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. ساندرز، فرانسیس (۱۳۸۷)؛ **جنگ سرد فرهنگی**، سیا در عرصه فرهنگ و هنر، تهران، بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی.
۱۶. سن، آمارتیا کومار (۱۳۸۵)؛ **توسعه یعنی آزادی**، ترجمه محمدسعید نوری نایینی، تهران، نی، چ دوم.
۱۷. سیف، الله‌مراد (۱۳۸۹)؛ **«مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی ج.ا.ایران»**، آفاق امنیت، ش ۱۱ سال چهارم، تابستان ۱۳۹۰.





۱۸. علوی، حسین (۱۳۹۰)؛ «اقتصاد و قدرت نرم: نقش جهاد اقتصادی در افزایش قدرت نرم ج.ا. ایران»:  
[http://www.psyop.ir/?p=8659&utm\\_source=rss&utm\\_medium=rss&utm\\_campaign](http://www.psyop.ir/?p=8659&utm_source=rss&utm_medium=rss&utm_campaign)
۱۹. گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱)؛ **آنا تومی قدرت**، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، سروش.
۲۰. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)؛ «**بسیج و تولید امنیت نرم**»، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۱. متوسلی، محمود (۱۳۸۴)؛ **توسعه اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی**، تهران، سمت.
۲۲. متوسلی، محمود و همکاران (۱۳۸۹)؛ **اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند**، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۳. محمودی، شهین (۱۳۸۸)؛ «**جنگ نرم و تهدیدشناسی**»، در: [www.nme.blogfa.com](http://www.nme.blogfa.com)
۲۴. میرمحمدی، محمد (۱۳۸۷)؛ «**ابعاد اقتصادی امنیت ملی**»، روزنامه ایران، ش ۴۰۰۴، ۲۹ مرداد.
۲۵. مینگ جیانگ، لی (۱۳۹۰)؛ **قدرت نرم چین: استراتژی چین در حال ظهور در سیاست بین‌الملل**، ترجمه عسگر قهرمانپور بناب، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۶. ناصری داودی، عبدالمجید (۱۳۸۴)؛ «**اسلام در مالزی**»، اندیشه تقریب: فلسفه، کلام و عرفان، بهار، ش ۳: ۱۶۱-۱۵۰.
۲۷. نای، جوزف اس (۱۳۸۹)؛ **آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم (پیشگفتار: درک قدرت نرم)**، ترجمه محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۸. نای، جوزف اس (۱۳۹۰)؛ **آینده قدرت**، ترجمه سید رضا مراد صحرایی، تهران، حروفیه.
۲۹. نای، جوزف اس (۱۳۸۷/الف)؛ **رهبری و قدرت هوشمند**، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران، ابرار معاصر.
۳۰. نای، جوزف اس (۱۳۸۷/ب)؛ **قدرت نرم، ابزارهای موقعیت در سیاست بین‌الملل**، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چ دوم.
۳۱. نای، جوزف اس (۱۳۸۷/ج)؛ **قدرت نرم در عصر اطلاعات**، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۲. نای، جوزف اس (۱۳۸۴)؛ «**مزایای قدرت نرم**»، همشهری دیپلماتیک، ۸۴/۴/۲۵.
۳۳. نای، جوزف اس (۱۳۸۶)؛ «**منافع قدرت نرم**»، ترجمه ناصر بلیغ، فصلنامه مطالعات بسیج، ش ۳۶ (پاییز): ۱۱۶-۱۰۷.
۳۴. نگاهداری، بابک (۱۳۸۶)؛ «**فرهنگ اقتصادی**»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، ش ۱۲ (شهریور و مهر).



۳۵. یوسفی، جعفر (۱۳۸۷): «بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان اسلامی و لیبرال دموکراسی»، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج.

36. Alvey James E. (1999). “A Short History of Economics as a Moral Science”, *Journal of Markets & Morality* 2, No.1 (Spring), P.53-73, Copyright © 1999 Center for Economic Personalism.
37. Berger, Thomas U. (2010). “Japan in Asia: A Hard Case for Soft Power”, *Published by Elsevier Limited on behalf of Foreign Policy Research Institute*, Fall, P.565-583.
38. Carr, E.H. (1964). **The Twenty years Crisis, 1919-1939, An Introduction to the Study of International Relations**, New York, Harper & Row.
39. Christopher, W. Hughes (1999). **Japan’s Economic Power and Security: Japan and North Korea**, Routledge, London and New York.
40. Donovan, F. Kevin (1995). “Economic Power in the Sino –U.S Relationship”, *INSSoccaional Paper*: www. Usafa.af.mil.
41. Gavel, Douglas (2010). “Changing Course: Using American Soft Power to Affect U.S.-Cuban Relations”, *A Thesis in the Field of Government for the Degree of Master of Liberal Arts in Extension Studies*, Harvard University, November, Copyright by Pro Quest LLC.
42. Mead, Walter Russell (2004). “America’s Sticky Power”, *Foreign Policy*, No.March/April, Quotations.
43. North, Douglass C. (1993). **Economic Performance through Time**, Lecture to the Memory of Alfred Nobel, December 9, [http://www.nobelprize.org/nobel\\_prizes/economic-sciences / laureates/1993/north-lecture.html](http://www.nobelprize.org/nobel_prizes/economic-sciences/laureates/1993/north-lecture.html).
44. Nye, Joseph. S (1990a). **Bound To Lead: The Changing Nature of American Power**, Basic Books.
45. Nye, Joseph. S (1990b). “Misleading Metaphor of Decline”, *the Atlantic*, March.
46. Nye, Joseph. S (1990c). “Soft Power”, *Foreign Policy*, No.80, Twentieth Anniversary, Washingtonpos, Newsweek Interactive, LLC, Autumn, P.153-171.



47. Nye, Joseph. S (2002). **The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone**, Oxford University Press.
48. Nye, Joseph S. (2003). **"Propaganda Isn't the Way: Soft Power"**, *the International Herald Tribune*, January 10.
49. Nye, Joseph S. (2004b). **Power in the Global Information Age: From Realism to Globalization**, New York, Published by Taylor & Francis Group.
50. Nye, Joseph S. (2004a). **"The Benefits of Soft Power"**, Until Recently the Dean of Harvard's Kennedy School, 2 August, available at: <http://hbswk.hbs.edu/archive/4290.html>, (accessed: 20 February 2008).
51. Nye, Joseph S. (2006). **"Transformational Leadership and U.S. Grand Strategy"**, *Foreign Affairs*, Vol.85, No.4, July/August.
52. Nye, Joseph S. (2008a). **"Public Diplomacy and Soft Power"**, *the ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, March, Vol.616 (1), P.94-109.
53. Nye, Joseph S. (2008b). **"Soft Power and Higher Education"**, Harvard University, [http://www.education.edu/SecDefHistories - Robert McNamara](http://www.education.edu/SecDefHistories-RobertMcNamara)
54. Whitney, Christopher. B & David Shambaugh (2009). **"Soft Power in Asia: Results of a 2008 Ultinational Survey of Public Opinion"**, Copyright © by *The Chicago Council on Global Affairs*, Printed in the United States of America. [www.thechicagocouncil.org](http://www.thechicagocouncil.org).

